**اربعین حسینی؛ امکان حضور در تاریخی دیگر**

**بسم اللّه الرّحمن الرّحیم**

1- مبانی فکری بنده در تفکر نسبت به حضور تاریخی، آیات و روایات زیر است:

رسول خدا می‌فرمایند: **«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»** یعنی در هر روزگاری نفحات الهی وزیدن می‌کند، سعی کنید خود را در معرض نفحات روزگار و تاریخ خود قرار دهید. امام صادق می‌فرمایند: **«فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفاً بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظاً لِلِسَانِه‏»** در دستورهاى حكيمانه‌ي آل داود چنين آمده است که وظيفه‌ي انسان خردمند است كه زمانه‌ي خويش را بشناسد. و قرآن می‌فرماید: آیات: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ في‏ شَأْن»(الرحمن/29) در هر روزگاری خداوند در شأنی است و به صورتی که مخصوص آن روزگار است و مطابق نیاز و تقاضای انسان‌ها است، به صحنه می‌آید. و نیز می‌فرماید: **«وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْر لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون»**(نحل/44) ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین کنی آن‌چه بر آن‌ها نازل شده و آن‌ها را در برگرفته. و در راستای آن‌که نحوه‌ای از وحی بر مؤمنین و یاران پیامبران نازل می‌شود، می‌فرماید: **«وَ إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بي‏ وَ بِرَسُولي‏‏»**(مائده/111) به یاد آر آن‌گاه که بر حوارییین وحی کردیم که به من و به رسول من ایمان بیاورید.

2- اربعين؛ به عنوان «امکان حضور در تاريخي ديگر» موضوعی است که باید در آن برای عزیزان معناي «حضور تاريخي» تبيين شود و متوجه شویم با چه احساسي بايد حضور تاريخي خود را در رخدادي که در صورت اربعین در این سال‌ها ظهور کرده است، دريابیم، که البته اين از مشکل‌ترين قسمت‌های فهم است از آن جهت که بايد ماوراي عقل مدرن به موضوعي نظر کرد که فعلاً در حال تولد است و خود را در طي يک فرآيند مي‌نماياند و بدون آن‌که یک فکر حصولی باشد، در درون جان آدميان سر برمي‌آورد و در قول و فعل‌شان سريان مي‌يابد، مانند آن‌که بدیهیات اولیه‌ انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت می‌توان گفت جریان اربعین در این تاریخ، وجهی از فطرت تاریخی ما است که ما را فرا گرفته.

3- این مسلّم است که بدون درک زمانه، هيچ قدمي به سوي آينده‌ي خود نمي‌توان برداشت و رخداد اربعين در اين تاريخ، همان تاریخی است که مي‌توانيم با قرارگرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنيم و تاريخ پايان‌يافتگي غرب را نشان دهيم که این همان تاريخِ سست‌شدن عهد انسان با سکولاريته و اقامه‌ي رابطه‌ي انسان با خداست.

4- اربعين در این تاریخ ظهور تعرّض انسان به اومانيسم و اعتراض به تقليل گوهر آدمي است که در چهارصدساله‌ی اخیر توسط اومانیسم شکل گرفته، و بدین لحاظ چيزي در انسانِ اين تاريخ رخ داده و بر هستي او حاکم گرديده که ديگر نمي‌تواند در تاريخي زندگي کند که قوام آن را اومانيسم شکل داده است.

5- ما همان‌طور که در سُنن الهي قرار داريم، اگر از حضور خود در آن سنن آگاه شويم راهِ آينده نسبت به آن سنن در مقابل ما گشوده مي‌شود. به همين معنا ما در تاريخي هستيم که اربعين به صورتي خاص ظهور کرده که اگر از حضور خود در اين رخداد آگاه شويم، راهِ آينده‌ي تاريخ ما در مقابل ما گشوده خواهد شد و ديگر در توهّمات بشرِ غرب‌زده قدم نخواهيم زد.

6- باید ابتدا این موضوع روشن شود که آیا آن‌چه در این سال‌ها در سالگرد اربعین حضرت سیدالشهداء پیش آمده، یک اتفاق است یا یک ضرورت تاریخی؟ یک عمل عبادی است همانند پیاده به کربلارفتن‌های سال‌های گذشته و یا تغییر نگاه به اربعینی است که ظرفیت حضور در تاریخی را دارد که حضرت امام عسکری با توصیه به حفظ آن می‌خواهند شیعیان از سیطره‌ی حاکمیت متوکل عباسیِ زمانه رهایی یابند؟

7- در راستای ایفای نقش فعّال در تاریخی که امام حسین آن را فتح کردند، امام صادق به ما فرموده‌اند: زائر حسين اگر بداند چه اجر و ثواب دنيوى و اخروى برای او هست، پيوسته در حال زيارت حضرت خواهد بود. می‌فرمایند: زائر حسين چون از زيارت بر مى‏گردد هيچ گناهى بر او نيست «وَ قَدْ رُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و حق تعالى درجه‏اش را آن قدر مرتفع و عالى مى‏گرداند كه آنان كه در راه خدا به خون خويش آغشته شده‏اند به آن دسترسى نداشته و مقام و منزلتشان در حدّ او نمى‏باشد (كامل الزيارات، ص: 297)

8- امام باقر می‌فرمایند: ‏«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقا»، اگر مردم مى‏دانستند كه در زيارت قبر حضرت حسين بن على«عليهماالسّلام» چه فضل و ثوابى است، حتماً از شوق و ذوق قالب تهى مى‏كردند زیرا در تاریخی خود را حاضر می‌کردند که خدا در آن ظهور دارد.(كامل الزيارات، ص: 142) و در ادامه برای آن‌که ما را متوجه‌ی فتح تاریخی کنند حرکت شهدای بدر را مطرح می‌کنند که منشاء تاریخ اسلام شد. می‌فرمایند: «وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْر» و در این حضور تاریخی هزار برابر فتح تاریخی شهداء بدر، اقدام تاریخی صورت می‌گیرد، به همان معنایی که امام خمینی«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» می‌فرمایند عزاداری برای امام حسین یک اقدام سیاسی است تا ملت‌ها بسیج و یک‌پارچه شوند و این‌همه آسیب‌پذیر نباشند.

9- رخداد تاریخی، یک نوع آشکارشدن است برای جان انسان، مثل فهمیدن‌های معمولی نیست، انسان در آن واقع می‌شود و اگر نسبت به آن خودآگاهی پیدا کند می‌تواند از آن تغذیه کند و با آن هماهنگ گردد، در آن صورت به داخل آن رخداد کشیده می‌شود و در آن حالت امری معنادار، اعتبار خود را بر آن فرد یا ملت‌ حاکم می‌گرداند و به آن ملت خطاب می‌کند و آن ملت آن معنا را از خود می‌کند و حاضر می‌شود با آن زندگی کند و به آن آری بگوید و آن را از خود کند.

ما در اربعینی که این سال‌ها ظهور کرده است، در داخل رخدادِ حقیقت این دوران قرار می‌گیریم قبل از آن‌که فکر کنیم چگونه باید به آن باور داشته باشیم. پیش‌فهمی است در امری معنادار و معنوی که در «سنت» رخ می‌نمایاند و در افق درونی انسان‌ها عالَمی را به آن‌ها عطا می‌کند و انسان‌ها در آن عالَم از خود، فهمی خاص پیدا می‌کنند. وظیفه‌ی ما جهت تفسیر این رخداد، توجه به پشتِ صحنه‌ی آن است تا بیرون از فرهنگ مدرنیته، فهم تازه‌ای از خود پیدا کنیم و وارد تاریخی اثرگذار شویم.

در پشت صحنه‌ی رخداد اربعین، آدمی به ندای بی‌صدای هستی گوش می‌دهد و با زبان، آن را آشکار می‌کند. زیرا حقیقت، صامت نیست و در هر دوران سخنی دارد و باید با گوش‌سپردن به آن، با زبانی مناسب، آن حقیقت را آشکار کرد. در این صورت است که انسان در عین داشتن سخنی اصیل، به معنای خود دست می‌یابد که آن معنا، ارتباط با حقیقت وجود است و پاسخ‌دادن به دعوت و ندای بی‌صدای حقیقت، وگرنه انسان‌ها همچنان در بی‌معنایی به‌سر می‌برند.

10- در فهم تاریخیِ خود، باید متوجه باشیم این ضرورت تاریخی است که ما را به سوی رخدادی جدید سوق داده است به سوی تاریخی که در آن تاریخ در نظر به احساس بنیادین خود شهید حججی هم فهمیده می‌شود و او از خودمان می‌گردد.

11- اگر از معنای تاریخیِ رخدادی که با اربعین ظهور کرده غفلت نشود، متوجه می‌شویم درد مشترکی است که این جمعیت را وارد این صحنه کرده، مثل درد مشترکی که اصحاب سیدالشهداء داشتند و متوجه حضور تاریخی خود کنار آن حضرت شدند. این درد مشترک و در کنار امام حسین قرارداشتن، چیزی است مافوق جلب بهشت و دوری از جهنم. در این‌جا آینه‌ای در مقابل ما قرار گرفته که می‌توان با خدا مأنوس شد و با تجلیات خاص حضرت حق مرتبط گشت.

12- در رخداد اربعین این سال‌ها که شأنی است از حضور تاریخی انقلاب اسلامی، مواجه‌ای است نرم و آگاهانه با اراده‌ی خاص الهی که می‌توان با گام‌نهادن در آن اراده‌ی خاص، آن را از آنِ خود کرد، به همان صورتی که با اعمال شرعی، پیام‌های فطرت خود را از آن خود می‌کنیم. فطرت تاریخی نیز به عنوان اراده‌ی خاص حضرت حق، انسان‌های دوران را در برمی‌گیرد و آن‌ها با اقدامی خاص می‌توانند صدای بی‌صدای آن را بشنوند و آن تاریخ را از آن خود کنند، همان‌طور که شهدای دفاع مقدس، انقلاب اسلامی را از آنِ خود کردند.

13- از طریق رخداد اربعینی خاصی که در این تاریخ ظهور کرده ما در تفکری ماوراء فهم روشنفکرانِ مذهبی ولی غرب‌گرا، حاضر می‌شویم. وای! اگر با ادعایِ فهمِ هگل و هایدگر، فهمِ تاریخی خود را از آنِ خود نکنیم و در این روز و روزگار، در راستای جستجوی «وجود» به چیزی غیر از آینه‌ی انقلاب اسلامی که رخداد اربعینیِ این تاریخ شأنی از آن است؛ نظر داشته باشیم. آیا وقت آن نیست که از طریق رخداد اربعینی که ما را فرا گرفته است، تفکر را، آری تفکر در «وجود» را به خود و جامعه‌ی خود برگردانیم و عقب‌ماندگی سالیان گذشته‌ی خود را بیرون از توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی جبران نماییم؟ والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته